

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۱ خرداد ماه ۱۳۲۳ \*

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس  
 ۲ - طرح و تصویب لایحه استرداد کتیبه های علیرضای عباسی به  
 ۳ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای آقاسید محمد صادق طباطبائی تشکیل گردید

صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۸ خرداد ماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند \*\*

## [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - بفرمائید.

مهندس فریور - تذکر قانونی بنده این است که بعد از آنکه موضوع استیضاح یعنی موضوع افشار به هیئت عمومی دیوان کشور رجوع شد هیئت عمومی دیوان کشور با کثرت ۱۹ رأی در مقابل ۴ رأی ممتنع نظرش را نوشت و فرستاد بدولت و در آن قید شده است که عود خدمتشان غیر قانونی است بنابراین علاوه بر اینکه در این مدت ماندن ایشان در اصفهان اقدامات ایشان غیر قانونی خواهد بود و بعد از اینهم هر قدر ایشان بمانند اقدامات ایشان غیر قانونی است این را من بابت تذکر عرض کردم.

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ آقای هاشمی.  
 هاشمی - چون در این صورت مجلس نوشته شده خواستم بدانم آیا محکومیت آقای رضا افشار از کلیه حقوق اجتماعی است یا فقط محرومیت ایشان نسبت به استخدام دولتی است و اگر راجع به کلیه حقوق اجتماعی است در اینجا توضیح بدهند  
 رئیس - این قابل بحث در مجلس نیست چون در دیوان عمومی کشور مطرح است بعد بعرض آقایان میرسد. در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد.  
 مهندس فریور - بنده يك تذکر قانونی دارم.

\* عین مذاکرات مشروح سی و ششمین جلسه از چهاردهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\*\* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبین با اجازه - آقایان: امیر تیمور - جلیلی - سلطانی - قبادیان - فداکار - دکتر رادمنش  
 غائبین بی اجازه - آقایان: خلیل دشتی - ملک مدنی - گبو - کفائی - آصف - تیمور تاش - سید ضیاء الدین - اکبر - تهرانچی  
 سید محمد طباطبائی - خلعت بری .

**دکتر شفیق** - باتلگراف احضار شده .

**مهندس فریور** - بله تلگرافی هم بعد شده دستور ابقاء داده شده این راهم بنده اطلاع داشتم ولی لازم ندانستم در مجلس اظهار کنم .

**رئیس** - ده پانزده نفر از آقایان اجازه نطق قبل از دستور خواسته اند ( نمایندگان - دستور دستور ) رأی میگیریم آقایانی که موافقت دارند دستور بشویم قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند ) اکثریت است .

**[ ۲ - طرح و تصویب لایحه استرداد کتیبه های علیرضای عباسی به آستان قدس رضوی ]**

**رئیس** - دستور با پنج فقره طرح است چهار فقره بقابل توجه بودنش رأی گرفته میشود . یک لایحه است راجع به کتیبه ها که اول است بعد لایحه دیگری است که اگر مجلس تصویب کردند جزء دستور شود چاپ شده . حالا لایحه مربوط به کتیبه ها شروع میشود . آقای نقابت .

**نقابت** - بالایحه پس دادن کتیبه های تاریخی آستان قدس رضوی بنده موافقم و از موقع استفاده میکنم توضیحی عرض میکنم حضور آقایان و آن این است هر ملتی دارای یک عقیده مشترک است که آن عقیده بین تمام طبقات و تمام دستجات ساری و جاری است و طرف احترام است اگر اشخاصی دارای مسلک های عدیده از لحاظ سیاست باشند اگر افکار مختلفی داشته باشند اگر باهم اختلاف و مرافعه و منازعه داشته باشند در آن عقیده مشترک باهم موافقت ( صحیح است ) وقتی که انقلاب کبیر فرانسه شروع شد و پاریس محاصره شد ناپلئون اعلان کرد وطن در خطر است این کلمه وطن عقیده مشترک بود بین ملت فرانسه همه بایک قدرت کامل و بایک ایمانی برای دفاع از وطن مهیا شدند در ایران سالها است که اسلام عقیده مشترک است کلمه اسلام ، کلمه دیانت بین تمام طبقات این کشور عقیده مشترک است ( صحیح است ) یعنی بین اکثریت ایرانی و بهمین جهت مسائل مهم سیاسی را وقتی که زمامداران اسلامی شروع میکنند به تقویت آن مسئله پیشرفت میکنند محتاج به دلیل نیست یک قدری که بتاریخ رجوع کنیم روشن میشود البته این کلمه

حضرت هست این را بر دارد بفروشد ( صحیح است ) بیعش باطل است ( صحیح است ) اخیراً دیده شد که بعنوان تقویت خزانه اهمیت ندانند طلا را طلا دانستند وزن کردند و بهر صورت بنده میخواهم بگویم که جنبه تاریخی را بی اعتنائی کردند در صورتیکه این خیلی مهم است بشعائر ملی اهانت میشود و لیکن در فروختن این بشعائر اسلامی اهانت شده است ( صحیح است ) حالا فروختند خوشوقت هستیم که اعلیحضرت همایونی به محض اینکه خزانه را باز دید کردند و چشمشان باین آثار تاریخی خورد متوجه شدند که یک عمل خبطی شده است و باید جبران بشود و اشاره کردند وزارت مالیه هم توجه کرد و این لایحه را آورد ، این لایحه کمال مطلوب ما است مورد توجه ما است باید هم تصویب شود و آقایان هم توجه خواهند نمود بنسبت نظر اینک که عبارت لایحه این است که کتیبه ها را پس بدهند موافقم ولی در لایحه قید شده است در مقابل دریافت همان مقدار ، طلا ، خوشبختانه نوشته اند در یافت همان مقدار طلا از کسی ، اگر همان مقدار طلا را از اوقاف آستانه می خواهند بگیرند ، همان مقدار طلا در آستان قدس موقوف علیهمی دارد که گرفتن آن خلاف شرع است بلکه آن کسی که عمل خلاف شرع را کرد یعنی آن متولی که مال وقف را فروخت غرامت بعهد او است زیرا او سبب شده و باید از محل حق التولیه پرداخت شود خوشبختانه این نکته راهم اعلیحضرت همایونی مورد توجه و علاقه خودشان قرار دادند . مطلبی را که در جلسه گذشته آقای مخبر فرمند فرمودند که اعلیحضرت همایونی از جیب قنوت خودشان میخواهند همین مقدار طلا بدهند و این طلاها را مسترد کنند اگر چنین است و البته آقای وزیر دارائی هم استحضار دارند و توجه دارند ما هم موافقیم و دیگر هم قید نمیکنیم که از کی بگیرند رعایت میکنیم اصول را زیرا این اعلیحضرت همایونی که فروخته اند بنابر این چه اصراری است که ما در مطلب داشته باشیم و خاصه اینکه بدون تذکر نمایندگان خودشان این توجه را کرده اند و بنده امیدوارم که این توجهی که

اعلیحضرت همایونی کرده اند نسبت به تعظیم شعائر اسلامی باعث موفقیت ایشان در سلطنت باشد ( احسنست )

**وزیر دارائی** - در موضوع استرداد کتیبه های طلای آستانه آقای مخبر فرمند در جلسه گذشته بیاناتی فرمودند که اگر اجازه فرمائید اول نسبت به بیانات ایشان تذکراتی عرض کنم . اولاً هر دو نفر از ناطقین در جلسه گذشته و امروز با این لایحه که تقدیم شده است موافقت میکنند و این مورد تشکر است و همانطور که آقای نقابت اظهار کردند تصرف در اموال موقوفه اگر یک عواقبی داشته باشد که بنبفع وقف نباشد موجب بدبختی متصرف خواهد شد و امیدواریم که مجلس با رأی خودش یک ثوابی را ایجاد بکند که این ثواب ملازمه داشته باشد و مابیه اخلاق خوب آموخته بشویم . قسمت دیگر فرمایش آقای مخبر فرمند این بود که چرا اوقاف نظارت در این موضوع نداشته باشد جواب این سؤال با آقای وزیر فرهنگ است ولی بنده عرض میکنم که بموجب قانون اوقاف مصوب دیماه ۱۳۱۳ که اجازه فرمائید قرائت کنم ماده دوم : نسبت به موقوفات عامه که متولی مخصوصی دارد وزارت معارف و اوقاف نظارت کامل داشته و بر طبق مواد ۶ و ۷ قانون اداری وزارت معارف و اوقاف مصوب شعبان ۱۳۲۸ و ضمیمه آن رفتار خواهد شد . تبصره ۱ - عمران و آبادی رقبات موقوفات بر هر مصرفی مقدم است . تبصره ۲ - موقوفاتی که تولیت آن با سلطان عصر است مشمول این قانون نخواهد بود . وزارت اوقاف منع صریح قانونی دارد در اینکه نسبت به اوقاف آن قسمت مداخله کرده باشد و حتی نظر داشته باشد باین مناسبت در موقع وزارت فرهنگ نظری نکرده است و هیچگونه عملی هم نکرده است بواسطه اینکه منع قانونی داشته است و حتی دولت هم نظارت ندارد و تولیت با شخص اول مملکت اعلیحضرت همایونی است و متولی وقت نظارت دارد وزارت اوقاف هم بهیچوجه نمی تواند نظارت و دخالت در این کار بکند . اما نسبت باین طلاهایی که برداشته شده و جزو پستوانه اسکناس گذاشته شده باید این را تذکر بدهم که پستوانه متعلق بعموم است متعلق به بانک ملی ایران است

اسلام تنها نیست اسلام دارای شعائری است و تعظیم شعائر یکی از شئون مذهب اسلام است یعنی بقعه مطهر حضرت رضا ۴ تنها خشت و گلی نیست که بهم انباشته شده باشد یکی از شعائر اسلامی است ( صحیح است ) مورد انکاء و مورد توجه و مورد علاقه و ایمان هشتاد میلیون نفوس مسلمان است . و بهمین جهت دیده ایم کسانی که نسبت باین شعائر اسلامی بی اعتنائی کرده اند در يك فاصله کوتاهی دست انتقام الهی پاداش آنها را داده است این هم اگر بتاریخ مراجعه کنیم خیلی تاریخ نمیخواهد سن همه کافی است از ۱۳۱۷ باینطرف مراجعه کنید و ببینید بی احترامی باین بقعه مطهره چه آثاری داشته است البته آن مردمانی که علاقه تام و تمام باین بقعه داشته اند اوقاف و نذوراتی تقدیم کرده اند از روی ایمان ، بقدری موقوفات دارد آستان قدس رضوی برای تمام مصارف ، برای بیمارستان برای مدرسه ، برای ابناء السبیل ، برای زوار ، برای فقرا و مساکین ، برای اصلاحات شهری ، برای همه چیز موقوفه دارد و حتی در کتاب موقوفات آستان قدس رضوی دیدم که در کتابخانه حضرت رضا ۴ هست یک موقوفات خاصی دارد که یک عده خادم بایستند در صحنه و در بستها و هولهای سفیدی در دست داشته باشند که اگر کسی با شتاب آب دهان انداخت فوراً پاك کنند ، کسی این وقف را میکند که دیگر وقف مریضخانه پر شده باشد وقف مدرسه پر شده باشد وقف زوار و ابناء السبیل پر شده باشد آنوقت این وقف را میکند ، آستانه این اندازه قوی است و این اندازه مورد احترام است بنا بر این این کتیبه ها صرف نظر از اینکه آثار تاریخی است وقف است و ارباب وقف در قانون مدنی وقف اعم است از اینکه مال منقول را وقف کنند یا غیر منقول فرق نمیکنند البته حفاظت و نگاهداری این با پادشاه وقت است تولیت این با پادشاه وقت است و شاه در این مقام از قدرت و نفوذ سلطنت استفاده نمیکنند بلکه بعنوان تعظیم شعائر باید اصول تولیت را مطابق مقررات وقف مراعات بکنند ( صحیح است ) شاه حق ندارد که یک قالی یک قندیل یک کتیبه ، یک تابلو نقاشی ، یک آثاری که در خزانه



پشتوانه اسکناس عبارت از يك پولهائی است و عبارت از يك جواهرات و طلاهاى است که در آنجا گذاشته شده است که در مقابل آن اسکناس منتشر شده و دارنده اسکناس بمجر داینکه اسکناس در دست داشت یعنی عموم ملت نسبت باین پشتوانه حق دارد (رفیع - از مال بانك حق دارد نه از مال حضرت رضا ع) اجازه بفرمائید عرض کنم يك طلائی فروخته شده است یعنی يك مشتری آورده است ببانك فروخته است بانك خریده است متولى وقت هم البته در مقابل وجدان خودش مسئولیت داشته است و دولت هم حق نظارت نداشته است و جز پشتوانه اسکناس گذاشته شده است راه حلی که ما پیدا کرده ایم از نقطه نظر اینکه این طلاها کتیبه است ما مسترد خواهیم داشت و در مقابل طلا خواهیم گرفت البته این قسمت که این طلاهاى که فروخته شده مجوز شرعی داشته یا نداشته بنده وارد این قسمت نمیشوم ولی بمناسبت اینکه این قضیه اینجا مطرح شد و آقای فیروزی آبدادی فرمودند که اعلیحضرت همایونی لطف میفرمایند عرض میکنم این طلاها که در حدود صد و چهل و هفت و هشت هزار تومان میشود اعلیحضرت همایونی از جیب قوت خودش لطف میفرمایند و این طلاها مسترد خواهد شد بنا بر این تصور نمیکنم مباحثات بیشتری در اطراف این موضوع لازم و ضروری باشد. طلا را يك متولى وقف آمده است فروخته است متولى بعدی از جیب قوت خودش نه از عایدی آستانه میخواهد بدهد و کتیبه ها را مسترد بکنیم البته آقایان بدون اینکه در اطراف این موضوع بحث و مذاکرات زیادی بشود مقتضی است این را تصویب بفرمایند.

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است.

**رئیس** - پیشنهادات قرائت میشود.

پیشنهاد آقای عماد تربتی:

مقام ریاست محترم مجلس شورای ملی در جلسه ای که لایحه استرداد کتیبه های آستان قدس تقدیم و طرح گردید اینجناب پیشنهاد نموده بودم در مقابل دریافت همان مبلغی که بآستان قدس پرداخته شده کتیبه ها مسترد شود و مقرر گردید این پیشنهاد بکمیسیون ارجاع گردد اکنون با مراجعه بگزارش

کمیسیون دارائی معلوم میشود اصلاح مزبور بعمل نیامده - لذا پیشنهاد سابق خود را تجدید و درخواست میکنم جمله « در قبال دریافت آن طلا به آستانه رضوی منتقل گردد » به جمله « در قبال دریافت وجهی که پرداخته شده بآستانه رضوی مسترد گردد » تبدیل شود و ماده واحده بطریقى که بعرض رسید اصلاح گردد.

**عماد تربتی** - نماینده محترم و همکار فاضل ما آقای نقابت شرح مبسوطی در اطراف تعظیم شعائر ملی و اسلامی بیان فرمودند شعائر اسلامی و شعائر ملی ما و کلیه شعائر هر قوم و ملتی عبارت از آن امور و اشیاء و اسبابی است که مورد احترام بین تمام طبقات آن دسته باشد شعائر ملی همیشه محترم و حتی در قرآن مجید و همان کلام الهی که ما در پشت این تریبون بآن قسم یاد کردیم تصریح دارد و من يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب البته آقایان محترم نمایندگان که دارای قلوب پرهیز کلوی هستند شعائر اسلامی را محترم خواهند شمرد بنده با اساس لایحه موافق ولی این قسمت که ذکر شده است که بایستی معادل آن طلا تسلیم بشود با این قسمت بنده مخالفم البته روحاً آقایان دیگر هم با این قسمت مخالف بودند مطلبی که مورد توجه آقایان واقع شد که مخالفت خودشانرا ابراز فرمودند این بود که مذاکره شد که این موضوع مورد توجه اعلیحضرت همایونی واقع شده و ایشان از جیب قوت خودشان معادل آن طلا را مرحمت خواهند فرمود البته از همین نظر بود که آقایان را قانع کرده و آقایان کمتر مخالفت کردند ولی بنده در سهم خودم قانع نشدم چرا؟ برای اینکه اساساً بر خلاف اصول قانون گذاری مجلس میدانم که يك قانونی بغلط تنظیم شود در اینجا اگر چنانچه این قانون بصورت حاضر تنظیم شود مخالف اصول کلی و مقررات حقوقی است زیرا مسلم است که بیع مال وقف باطل است آثار بطلان يك بیعی و لازمه بطلان يك معامله این است که اساساً کالا بملکیت خریدار وارد نشود و ثمن به ملکیت فروشنده وارد نشود این معامله غاصبانة بوده است و معامله بر خلاف امانت و درستکاری و پرهیز کاری و معامله بوده است که در بطلان

آن هیچ کس تردید ندارد ماده ۳۲۴ قانون مدنی صراحت دارد که اگر مشتری عالم به غصب باشد در حکم غاصب خواهد بود در اینجا بانك ملی ایران عالم به غصب بوده و به چشم خود دیده است که در روی این کتیبه ها آثار و نقوش متعلق به قبر حضرت رضا منقور است که بهترین وقف نامه بوده است. البته خریداران دیده و میدانستند مغصوب است و به مقدسات ملی لطمه وارد آمده و اهانت شده است و قلب عالم اسلامی جریحه دار شده است و با اینکه بانك ملی از وضعیت غصب اطلاع داشته این عمل را نموده است و در باب غصب مطالب زیادی در قانون مدنی داریم که غاصب مسئول هر گونه ضرر و زیانی میباشد حتی اگر ترقی در قیمت و لو در اثر عمل غاصب هم واقع شد غاصب حق ندارد ترقی قیمت را بگیرد و اگر ما برخلاف این اصل قانونی بگذرانیم مخالف با اصول کلی حقوقی خواهد بود و مثل این است که ما در مینای امانت و عاریه که مبنی بر استرداد است و حکم يك امینی را میکنند که باید مال طرف را بدهد قانونی بگذرانیم که حکم بر ملکیت امین کند در صورتیکه امین بایستی مال امانت را مسترد بدارد بدون اینکه حق تصرف و تسلط مالکانه داشته باشد. و اگر ما این قانونرا به این صورت فعلی بگذرانیم مثل این است که ما غاصب را ذبح بقشناسیم و به غاصب اجازه بدهیم که به اعلی قیمت بفروشد به مغصوب عنه و این برخلاف اصول قانون گذاری است و از يك مجلسی که دارای چندین نفر دکتر حقوق و قضات عالی مقام میباشد مخصوصاً با بودن آقای وزیر داد گستری زیننده نیست که قانونی بر خلاف اصول و برخلاف اصول مسلمة قانون گذاری بگذرانیم روی چه اصل روی این اصل که چون زیانی به آستانه نمیرسد و اگر زیانی برسد به شاه مملکت خواهد رسید به اینجهت ما قانون را به این نحو غلط بگذرانیم در صورتیکه این استدلال صحیحی نیست و بنظر بنده استدلال صحیح آن است که ما قانون را صحیحاً از مجلس بگذرانیم و همانطور که در قوانین و مقررات معین شده بگوئیم غاصب باید مال غصب

را پس بدهد و قیمت را همانطور که داده پس بگیرد و در غیر این صورت لطمه به آستان قدس خواهد خورد زیرا ممکن است آستان قدس در آتیه بخواهد ادعائی نسبت به سایر مسائل شبیه به این عمل در نتیجه افتتاح بابی که از لحاظ گذراندن این قانون در مجلس پیش خواهد آمد بکند و گذراندن این لایحه به این نحو بکلی باب ادعا و حق آستانه را مسدود خواهد ساخت و زیانی متوجه آستان قدس خواهد کرد. بنا بر این بنده تصور میکنم چون خراسانیان حقوق زیادی نسبت به ایشان دارند و ایشان بواسطه تولیت آستان قدس و املاک زیادی که در دست ایشان است علاقه مخصوصی به خراسان و خراسانیها دارا میباشد مخصوصاً با قضا یائیکه در زمان شاه سابق در مشهد پیش آمد و آن کشتارها در آستان قدس رضوی واقع شد و مدت ها مورد غضب و بی مهری شاه سابق قرار گرفت و اعلیحضرت همایونی اخلاقاً و وجداناً موظف هستند نسبت به خراسان و خراسانی بیشتر دلجوئی بفرمایند بنده انتظار دارم وقتی قانون بنحوی که عرض کردم گذشت و اعلیحضرت همایونی بهای کمتری لطف فرمودند آن مازاد و مابه التفاوت را بمصرف امور خیریه که کاملاً هم بجا است برسانند و چون املاک آستانه قدس به اجاره رفته است و در آمد آنرا فعلاً دولت میبرد و فعلاً هزینه آن ده برابر شده است البته بدار التریبه که محل تربیت اطفال یتیم و بی بضاعت است این مابه التفاوت را بآن دار التریبه اعطاء بفرمایند و از طرف دیگر يك دبیرستانهائی اطراف آستانه قدس ساخته شده است که از فرهنگ اجازه میگیرند ممکن است بمصرف آن دبیرستان ها برسانند که بفرهنگ خراسان اعطاء شود و بالاخره راه مصارف خیریه برای اعلیحضرت همایونی باز است و من تصور میکنم که چون مقرر فرموده اند معادل این طلا بدهند اگر قانون همینطوریکه بنده بعرض آقایان رساندم از مجلس شورای ملی بگذرد که رعایت عدالت و حق بشود تصور میکنم مابه التفاوت را اعطاء بفرمایند که بمصارف خیریه برسانند و بنده دیگر عرضی ندارم و درخواست میکنم پیشنهاد بنده را تصویب بفرمایند.

**وزیر دادگاری** - البته بدون اینکه بخواهم در این اظهاراتی که میکنم پافشاری کرده باشم ولی همانطوریکه قانون مدنی را تذکر دادند غاصب نمیتواند تصرف کند در مال مقصوبه بنده میخواهم تذکر بدهم که در موضوع موقوفات متولی حق ندارد مال را تبدیل با حسن کند ( بعضی از نمایندگان با همه عجب تبدیل به احسن شده است !!! ) اجازه بفرمائید و اگر متولی نسبت بحال موقوفه برخلاف وظایف شرعی و قانونی خودش عمل کرد مطابق احکام شرع و قوانین در محاکم عدلیه بتوانند نسبت باو طرح دعوی کنند و البته اگر متولی نتوانست اثبات بکند الزام دارد خساراتی که بحال وقف وارد شده است جبران کند و الا آن هم شما نمی توانید که بگوئید این مال مال مقصوبه و در تصرف بانک است. غصب بودن این مال در صورتی محرز است که در محکمه ایکه قانوناً یا شرعاً تشکیل میشود یعنی در محکمه صالحه این موضوع واضح و مورد تصدیق باشد در صورتیکه تا بحال یک چنین حکمی را نداده است و مدعی هم نبوده که چنین دعوائی کرده باشد البته بایستی به مراجع قضائی مراجعه و حکم صادر شود و الا کسیرا نمیشود بدون محاکمه محکوم کرد و اگر این اصل را در مجلس ما قبول کنیم برخلاف اصول قضائی تمام دنیا رفتار کرده ایم و اصولاً متزلزل کرده ایم تمام اساس قضائی مملکت را البته اگر کسی گفت مال مقصوبه است اگر ستمی دارد این دعوی را در محکمه صالح طرح میکنند و پس از صدور حکم اگر مقصوب بود مسترد میشود و بنده این اصول را از نظر حقوق مدنی عرض کردم و قسمت دیگر راجع باینست که میفرمایند در مال امانت نباید خیانت شود مال وقف درید متولی بدامین است و ببنده خود اینکار را کرده است با تسلیم باین اصل که بنده عرض میکنم که بموجب قوانین جاریه کشوری اندوخته اسکنتاس و پشتوانه اسکنتاس امانتی است ( صحیح است ) هیئتی است بولمانت بگذار ابراف است ( صحیح است ) بنابر این ها اگر بخواهیم بوضع یک قانون یک اصلی را محرز و ثابت کنیم نباید یک اصل دیگری را از بین ببریم و برخلاف آن رفتار کرده باشیم شما تشخیص میکنید بدون محاکمه و صدور

حکم که این مال غصب است آنوقت ما این را مسترد میداریم یک اصل قانونی مسلم است که ما طلاهای آستانه را نمیخواهیم درش تصرف کنیم بدون اینکه مجلس شورای ملی رأی بدهد و آنوقت نمیتوانیم آنرا مسترد کنیم بدون اینکه عین آنرا بجای آن در پشتوانه اسکنتاس بگذاریم چون این برخلاف قانون است و بنده نمیدانم که چرا این موضوع اصلاً طرح شده است در صورتیکه با استرداد کتیبه ها که همه موافقت و اگر کسی هم پیدا شده است پولش را میدهند شما مخالفت میکنید؟ و این را هم که عمل خوبی میدانید در مقابلش هم که یکی پیدا شده پولش را میدهد پس این چه اشکالی دارد؟ یک همچو امر خیری که بنظر من عمل خوبی است میخواهیم ترمیم بکنیم ترمیم نشود! ما میگوئیم یک عملی اینطور واقع شده است و ما امروز میخواهیم جبران کنیم یک شخص خیری هم حاضر شده اند که این پول را بدهند و حالا شما میفرمائید که یک قسمت این پولها بمصرف دیگری برسد آقای عماد تربتی میفرمایند که یک قسمت پول برای استرداد طلاها و یک قسمتش برای مصارف خیریه داده شود در صورتیکه آن شخص خیر یک مقدار پول را برای این عمل خیر تخصیص داده اند حالا اگر نظر اینست که برای کارهای دیگر هم پولی مرحمت شود ممکن است همانطور که آقای فیروز آبادی شرفیاب شدند شما هم شرفیاب شده و استبداعی انجام منظورتان را بنمائید تقاضای کمک بکنید. بهر حال بنده تصور میکنم این پیشنهاد برخلاف اصلیت است که ما بایستی طلا را جای طلا بگذاریم این منجر بیک چیز هائی نشود که ما نتوانیم این عمل را انجام دهیم.

**رئیس** - آقای تربتی مسترد میکنید یا خیر؟

**عماد تربتی** - خیر.

**رئیس** - رأی میگیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد ( چون بر میگردد به کمیسیون ) آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند ( عده کمی برخاستند ) تصویب نشد اجازه بفرمائید این ماده نظامنامه هم خوانده شود ( همه منته نمایند گان ) اجازه بفرمائید آقای اولای بایستی از مخبر کمیسیون سؤال شود که آیا مخبر قبول میکند

بانه این جانبند خواستم سؤال کنم گفتند آقایان میخواهند اول توضیح بدهند بنده بماده رجوع کردم دیدم که باید قبلاً از آقای مخبر سؤال شود اگر مخبر قبول کرد آنوقت بایستی توضیح در پیشنهاد خیلی مختصر باشد. ماده شصت و سه قرائت میشود. ( جمعی از نمایندگان - این ماده را همه میدانند ) ... خوب پس اگر همه میدانند بنده استدعا دارم که توضیحات مختصر باشد. پیشنهاد آقای فرهودی.

- این جانب تبصره زیر را پیشنهاد میکنم. تبصره. هیئت نظارت پشتوانه اسکنتاس میتواند آثار تاریخی ساخته شده از طلا را که جزء پشتوانه است با دریافت زر مساوی وزن آنها بموزه ایران باستان واگذار نماید. موزه ایران باستان مجاز است معادل بهای طلائی که جهت دریافت این آثار لازم میشود مسکوکات و قراضه های طلا یا سایر اشیاء متعلق بخود را که به تشخیص کار شناس عتیقات از نظر باستان شناسی حفظ آنها در موزه لازم نمی باشد بفروش برساند.

**رئیس** - آقای مخبر قبول میفرمایند.

**مخبر** - خیر.

**رئیس** - بنا بر این اول باید مخبر توضیح بدهند.

**مخبر** - در این قسمت چون در کمیسیون پیشنهادات متعددی بود بنده تمنا دارم کلیه آن پیشنهادات قرائت شود. پیشنهادی بود مال آقای نراقی که کمیسیون آنجا بحث کرده بود و آن پیشنهاد قابل قبول خواهد بود چون جامع است و بنده تصور میکنم که اگر آقای فرهودی هم موافقت بفرمایند که آن پیشنهاد هم قرائت شود آنوقت بنظر میآید که آقای خودشان هم قناعت بکنند.

**رئیس** - آقای فرهودی

**فرهودی** - عرض کنم آنچه از قوانین مربوط به پشتوانه فهمیده میشود این است که در بانک و در جزء سرمایه عمومی میبایستی یک مقدار کافی طلا و نقره ذخیره باشد که اعتبار پشتوانه اسکنتاس مملکت را نشان بدهد این مقدار طلا ممکن است در جاهای متعدد باشد یک قسمتش این است که در خزانه

بانک است البته آن قوه تجارتنی و اقتصادی دارد و خود قانون هم مانع است از اینکه تغییر و تبدیل باو بدهند و این طلا محفوظ میماند در بانک یک مرکز دیگر هم که ممکن است این طور طلاها را داشته باشد مشاهده متبر که است مانند آستانه قدس رضوی در آنجا هم ممکن است یک مقداری طلا آلات باشد که در خزانه آستان قدس محفوظ میباشند چنانچه وقتی هم خواستند بهش دست بزنند آنرا از یک محل محفوظی بردند به محل محفوظ دیگری حالا هم از آن محل محفوظ میخواهند ببرند سر جای خودش بگذارند پس این مشاهده متبر که هم یکی از جاهای دیگری است که ممکن است این طلاها در آنجا حفظ شود یک مرکز ثالثی هم هست که آن موزه ملی است، موزه ملی هم اشیاء گرانبهائی دارد که آنها را حفظ میکند برای مملکت چنانچه یکی از آن اشیاء گرانبهائی الواح طلائی بود که در تخت جمشید بدست آمد که همه میدانند آنها تقریباً و در حقیقت قباله تمدن ایران است و در موزه ایران باستان محفوظ است و امروز که در خدمت آقایان رقیتم خزانه بانک را دیدیم چند چیز طلا پیدا شد که آنها جزو آثار تاریخی است که در نتیجه کارش ها بدست آمده و بنده عقیده ام این است که جای این آثار خزانه بانک نیست و آنها بایستی بموزه ملی برود و در آنجا محفوظ بشود در اینجا میرسیم بیک اشکالی که این ها قبلاً جزو مقدار طلائی منظور شده است که در خزانه بانک و جزو پشتوانه اسکنتاس است.

**بعضی از نمایندگان** - عده کافی نیست آقای.

**فرهودی** - این را هم بنده یک راه حلی فکر کردم

دیروز هم آقای نراقی فرمودند که در موزه یک اشیائی هست .. یک مکسوکات خارجی هست که بدرد موزه نمیکشود و خود کار شناسان موزه معتقدند که این اشیائی که بدرد نمیکشود امروز بفروشند و هم وزن آن طلا بگیرند و بگذارند در بانک و این آثار تاریخی را بگیرند و بگذارند در موزه و باین ترتیب هم آن اشیاء و آثار تاریخی محفوظ میماند در موزه و هم آن مقدار طلاهای که در اندوخته اسکنتاس است دست نمیکشود



این است که بنده این پیشنهاد را کردم و تصور میکنم يك كمكى است بتشكيل موزه و يك اصلاحى است راجع بطلاهاى كه جزء پشتوانه در بانك است .

**مخبر** - چنانكه عرض كردم پیشنهاد ديگرى هم هست كه از اين پیشنهاد كامل تر بنظر ميآيد و آن پيشنهادهى است كه آقاى نراقى كرده اند و در كميسيون هم مطرح شده است و نظر آقاى فرهودى هم در ضمن تبصره آن پيشنهاده محفوظ خواهد بود . پيشنهاده آقاى نراقى قرائت بشود .

**رئيس** - پيشنهاده آقاى نراقى قرائت ميشود :

پيشنهاده ميكنم تبصره زير به ماده واحده افزوده شود :  
ماده واحده - مجلس شورى اى ملى بهيئت نظارت اندوخته اسكناس اجازه ميدهد كتيبه هاى خط عليرضى عباسى متعلق باستان قدس رضوى را كه جزو پشتوانه اسكناس منظور شده در قبال دريافت معادل آن طلا باستانه رضوى منتقل نمايد .  
تبصره - بهيئت نظارت اندوخته اسكناس اجازه داده ميشود .

۱ - اشياء و پارچه هاى طلايى را كه جنبه تاريخى و صنعتى داشته و فعلا جزو پشتوانه اسكناس است در قبال دريافت طلا هم وزن آنها بموزه ايران باستان واگذار نمايد  
۲ - شمش هاى خرد و ناجور و مختلف العيار و همچنين مسكوكات طلاى معيوب خارجى و داخلى را در قبال دريافت شمش طلاى مرغوب كه از حيث طلاى خالص معادل آن شمش ها و مسكوكات باشد ببانك ملى ايران واگذار نمايد .

**رئيس** - پيشنهاده آقاى نراقى جامع است در كميسيون هم مطرح شده است حالا بايد نظر مخبر كميسيون و دولت نسبت باین پيشنهاده معلوم شود .

**وزير دارائى** - بنده قبول ميكنم .

**مخبر كميسيون** - بنده هم قبول ميكنم .

**رئيس** - پس مراجعه ميشود بكميسيون .

**جمعى از نمايندگان** - محتاج بارجاع بكميسيون نيست

**رئيس** - اجازه بفرمائيد ماده نظامنامه قرائت شود (ماده

۶۲ بترتيب زير قرائت شد)

ماده ۶۲ - اصلاحاتى كه در ضمن مباحثات شورى نائى پيشنهاده ميشود در صورتى كه مخبر كميسيون مربوط بآن تقاضا نمايد بايد رجوع بكميسون شود .

**رئيس** - ماده ۶۴ را هم قرائت كنيد (ماده ۶۴ بترتيب زير قرائت شد -

ماده ۶۴ - در صورتى كه صاحبان اصلاحات تقاضا نمايند در كميسيون حاضر شده توضيحات بدهند .

**رئيس** - آقاى مخبر كميسيون .

**فرمانفرمائيد** (مخبر كميسيون) - مطلب خيلى واضح است كه اگر مخبر نسبت به پيشنهادهى تقاضاى ارجاع بكميسيون بكند به كميسيون مراجعه ميشود و اگر قبول كرد جزو ماده ميشود و بايد نسبت به آن رأى گرفته شود .

**رئيس** - ما كه از نظامنامه نميتوانيم تخلف كنيم .

**مخبر كميسيون** - توجه كنيد مخبر و دولت قبول ميكنند كه بماده واحده منضم شود بايد رأى گرفت .

**دشتمى** - وقتى قبول كردند جزء لايحه ميشود .

**رئيس** - چون فورى است شايد بشود ولى در نظامنامه دارد كه اصلاحاتى كه قبول ميشود بايد بكميسيون برود حالا ماده اش نظرم نيست بهر حال در همان جلسه نميتوان رأى گرفت اگر آقاى موافقند رأى گرفته شود .

**نقابت** - بنده عرضى دارم .

**رئيس** - بفرمائيد .

**نقابت** - بنده موافقم با چيز هاى كه آثار تاريخى محسوب ميشود ولى جزء دوم راجع بشمش هاى ۹۹ عيار بنده مطلب را نفهميدم در اين قسمت خواهش ميكنم آقاى نراقى توضيح بدهند كه روشن بشود .

**نراقى** - ضمن استرداد اين كتيبه هاى آستان قدس خواستيم يك اصلاح ديگرى هم از پشتوانه بشود اين است كه بنده اين پيشنهاده را تهيه كردم و تقديم كردم بنظر دولت هم رسيد و موافقت كردند كميسيون دارائى هم پذيرفت و آن اين است كه چند پارچه طلاى تاريخى هست كه جزء پشتوانه محسوب است كه ما نميتوانيم آنها را بيرون بياوريم مگر اينكه

شده به كميسيون رجوع ميشود اين پيشنهاده را چون مخبر و دولت قبول كرده است جزء لايحه ميشود وقتى كه بماده رأى گرفتيد باين هم رأى بگيريد . (صحيح است)

**رئيس** - بسيار خوب جزء لايحه رأى گرفته ميشود پيشنهاده ديگرى هم هست كه قرائت ميشود :

پيشنهاده ميكنم تبصره زير اضافه شود :

**تبصره ۱۵** - موقوفاتى كه توليت آن با سلطان عصر است مشمول نظارت وزارت اوقاف ميباشد و تبصره دوم ماده دوم قانون اوقاف مصوب سوم ديماه ۱۳۱۳ ملغى است حسين تهرانى .

**رئيس** - آقاى طهرانى

**طهرانى** - عرض كنم كه گرچه آقاى نقابت و عماد تربتى تا اندازه مقصود را روشن كردند و آنچه گفتنى است گفتند ولى اين را بايد اهميت بدهيم و شعائر مان را مقدس بشماريم توليت آستان حضرت رضا با پادشاه وقت است پادشاه وقت هم البته بايد حفظ بكنند آن چيز هاى را كه در دست او است و امانت است و اگر نباشد نسبت به آنها يك خلاف امانت و يك خلاف منظورى عمل بشود چطور ديگر از ديگران بايستى منتظر بود كه واقعا حفظ امانت بكنند حفظ ديانت بكنند حفظ بكنند آن چيز هاى كه در دست دارند اينجا حالا بنده نميخواهم بگفتم وارد بشوم يك حرف هاى خارج از نزاکت بگويم ولى قطعاً در اين مسئله خيانت شده است حق ندارند طلاى آستانه حضرت رضوى طلاى يك جائي كه هشتاد ميليون شيعه مذهب مر كزش است آن را بياورند بفروشند اين طلا بايد بجای خودش بر گردد (صحيح است) بايد بجای خودش بيايد ولى عملى كه شده است غلط است و مطابق قانون نبوده است (صحيح است)

مطابق قانون وزارت اوقاف نظارت كليه موقوفات با وزارت معارف بوده است چه اما كن مقدسه چه غير اما كن مقدسه در دوم ديماه ۱۳۱۳ اعليحضرت پهلوى يك قانونى آوردند كه خير توليت اما كن آستان رضوى از دست وزارت معارف و وزارت اوقاف خارج است و در كف كفايت شاه است و

مجلس رأى بدهد در كميسيونهم مطرح شد و مورد قبول آقاىان واقع شد با توضيحات آقاى فرهودى يكى ديگر اينكه روز اولى كه طلا را جمع آورى ميكردند در مملكت براى پشتوانه در هر شهرستانى هر چه طلا جمع آورى ميشد تبديل مى كردند به شمش و ميآوردند و تحويل ميدادند بخزانة اين شمش ها از ۵ مثقالى و ده مثقالى هست تا هزار مثقالى اينها از حيث وزن مختلف اند از حيث عيار هم مختلفند شمش ۵۰۰ عيارى هست ۷۰۰ عيارى هست ۹۰۰ عيارى هم هست شمش هاى هست كه مواد خارجى يعنى بارش مس است يا سرب است يا قلع است يا نقره است از هر حيث باهم ديگر اختلاف دارند و همانطور كه در خزانه ملاحظه كرديد آنها را در جعبه ها ريخته و حفظ كرده ايم آنوقت چون طلا در مملكت مرغوب بوده است هر شمش طلا كه بدست ميآمده محترم بوده است ولى حالا طلا زياد بمملكت حمل ميشود مخصوصاً خود بانك ملى تجارت ميكنند ماهى يك تن طلا وارد مملكت ميكنند و مي فروشند شمش هاى كه حالا از خارج وارد ميكنند شمش هاى است كه همه يك اندازه و با عيار ثابت است و كارخانه عيارش را ضمانت كرده است شمش هاى ۱۵ كيلوئى است يا شمش هاى ۱۲ كيلوئى است عيارش ۹۹۹ است تقريباً خالص است اينها را ميآوردند در ضرابخانه تبديل ميكنند بمسكوك ميبرند در بازار مي فروشند ما با بانك مذاكره كرديم كه اين شمش هاى مرغوب سنگين وزن را بدهند بما بگذاريم جزء پشتوانه اين شمش هاى ناجور مختلف العيار را ميدهيم بشما مسكوك كنيد بانك هم قبول كرد اين بود كه بنده اين پيشنهاده را كردم .

**رئيس** - آقاىان بكنند با پيشنهاده آقاى نراقى ... (رأى نميخواهد آقا) .  
**دكتر طاهرى** - در مورد چنين لوايحى كه فوريت دارند اگر پيشنهادهى بشود بايد تكليف آن پيشنهاده در مجلس معين شود اگر دولت و مخبر قبول كردند آن پيشنهاده جزء لايحه ميشود وقتى كه بماده رأى ميگيرند آن پيشنهاده هم جزئش خوانده ميشود و رأى گرفته ميشود اگر دولت و مخبر قبول نكردند بايستى جدا گانه رأى گرفته شود و اگر قابل توجه

این راهم بنده بر خلاف تمام اصول میدانم چه فرق میکند؟ شاه و چه غیر شاه مگر شاه میخواهد در مال موقوفه يك تصرف غیر قانونی بکند و قتی اینطور نیست چه علت دارد که وزارت معارف و اوقاف نظارت در اما کن مقدسه نداشته باشد هیچ معنی ندارد این بود که بنده پیشنهاد کردم همانطور که وزارت معارف و اوقاف نظارت دارد در تمام موقوفات در موقوفات اما کن مقدسه هم نظارت داشته باشد و کاملاً رعایت بکنند که خلاف قانون و حق درش واقع نشود و بجای خودش و بمحل خودش و بمصرف خودش برسد البته يك حق التولیه برای سلطان وقت هست و آن حق هم میرسد و هیچ مانعی ندارد این است که بنده این پیشنهاد را کردم.

**فرمانفرمائیان (مخبر کمیسیون) -** در اصل بیاناتی که آقای طهرانی فرمودند گمان میکنم که همه موافق باشند در اینکه در اصل موضوع همه قلباً يك همچو عملی را باشد عبارات باید در واقع تنقید و تقبیح بکنیم که کسی که خودش امانت دار است و سلطان وقت است و متولی وقف است يك همچو عملی را کرده است بنده قلباً مایل بودم با برگرداندن این کمیته ها يك ماده واحده هم اینجا ضمیمه میشد که يك معذرت نامه هم ما نمایندگان میدادیم بآستان قدس رضوی که ما نمایندگان ملت امروز خجل و شرمند هستیم ولی فکر بفرمائید اینکه میفرمائید اصلاح بشود در قانون اوقاف خودتان واقعاً تصدیق بفرمائید آن اوقاف آن روزاگر این اصلاح هم در آن موقع نشده بود، دردی ماه ۱۳۱۳، آیا جلو گیری میکرد از این عمل؟ مجلس شورای ملی دخالتی در این قضیه نکرد جلو گیری نتوانستند بکنند پس خدا نکند که ما برگردیم بآن وضع باید فکر آنرا کرد. بعد از آن این بیانی که میفرمائید مجلس در موقع دیگری است و گمان نمیکنم این موقعیت داشته باشد اگر توجه بفرمائید این اصلاً مخالف با اصول قانون گذاری است در اینجا يك قانونی گذشت برای الغای فروش اوقاف آقایان هم باشوق و شمعف موافقت فرمودند ولی در موارد عدیده خلاف اصل هائی واقع شده که نسبت به قانون اوقاف بعقیده بنده باید يك امعان و تجدید نظری شود

و غیر از این هم آقا خیلی چیزهای دیگر هست که اگر آقا دقت میفرمودند باید در آنها هم اصلاحی بشود تمنی میکنم در این موقع پیشنهادتان را مسترد بفرمائید.

**رئیس -** آقای فاطمی

**فاطمی -** همانطور که آقای فرمانفرمائیان فرمودند با پیشنهاد آقای طهرانی هیچکس مخالف نیست باید موقوفات در تحت نظر وزارت فرهنگ باشد ولی همانطوریکه اشاره کردند این موضوع جایش اینجا نیست و ما هم موافق هستیم که دولت يك لایحه در این باب تهیه کند و بیاورد یا اگر نیاید يك طرحی خود مجلس پیشنهاد کند در این صورت از آقای طهرانی تقاضا میکنم که فعلاً پیشنهادشان را پس بگیرند

**طهرانی -** پس گرفتم.

**رئیس -** پیشنهاد دیگری از آقای هاشمی است که قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم جمله دریافت در مقابل آن طلا حذف شود. هاشمی

**رئیس -** آقای هاشمی.

**هاشمی -** مخصوصاً از جناب آقای وزیر داد گستری است دعای میکنیم و از سایر آقایان که توجه بفرمایند عمل را تشبیه میکنیم بيك قضیه کوچکتر خیلی عادی بکنفر میآید خانه کسیرا از او میگیرد و يك خانه کوچکتری در عوض باو میدهد بعد خانه میرسد بيك شخص دیگری و آن غاصب و مرتکب از بین میرود خانه که مال آن غاصب بوده است لذا بایستی بصاحب اولیش برگردد در این زمینه دیگر چه موجبی پیدا شده است که مجلس شورای ملی حکم يك محکمه را پیدا کند و بگوید دارد علاوه بر آن پولی که آنروز بآستانه داده شده است حالا داده شود و رأی بدهد. میفرمائید در خارج يك شخص دیگری پیدا شده است که این پول را میدهد ما وارد آن قسمت نمیشویم ما رأی میدهیم که اشیائی که آمده است به بانك و اینجارای مجلس لازم است برای استرداد آن که برگردد بآستانه قدس رضوی حالا در خارج يك مقرراتی دارد يك کس دیگری پیدا شده است پول را میدهد پس چرا مجلس شورای ملی وارد این قسمت بشود...

**مهندس فریور -** اگر بانك نداد و گفت مثقالی هزار تومان چکار کنیم؟

**هاشمی -** شما دار بد با این ماده بانك را ملزم میکنید که این اشیاء را این کتیبه های خط علیرضای عباسی متعلق بآستانه قدس رضوی را برگردانند آنوقت عملش مشمول قضیه غصب میشود در خارج يك کسی پیدا شده است که پول را میدهد این محتاج برأی مجلس نیست

**فرمانفرمائیان (مخبر کمیسیون دارائی) -** بنده خواستم تذکر بدهم که در موقعی که آقای عماد تربتی پیشنهاد فرموده بودند توضیحات درباره آن داده شد و بنده نمیدانم چه مانعی دارد يك قانونی است قانون پشتوانه اسکناس این طلا آلات ضمیمه شده است به آن طلاهای پشتوانه امروز چه زیان و ضرری دارد يك کسی آمده است معادل آن طلاها طلا میخرد و بجای پشتوانه اسکناس میگذارد و آن کتیبه ها را به آستان قدس مسترد میکنند این چه ضرری دارد که آقای هاشمی فرمودند مجلس چرا وارد این عمل میشود و ما وارد این بحث نمیشویم که متولی وقت يك کار خلاف امانتی کرده است خیر مخصوصاً مجلس شورای ملی این موضوع را تا کیداً میگوید که متولی وقت کار خلاف امانت کرده است که متولی های دیگر هم تکلیف و وظیفه خودشان را بدانند.

**رئیس -** رأی میگیریم به پیشنهاد آقای هاشمی...

**یکتی از نمایندگان -** مسترد داشتند.

**هاشمی -** خیر آقا چرا مسترد کنیم دلایلش را بفرمائید تا من مسترد کنم.

**جمعی از نمایندگان -** پیشنهاد را بکمر تبه دیگر قرائت کنید (پیشنهاد آقای هاشمی مجدداً قرائت شد)

**رئیس -** رأی میگیریم به پیشنهاد آقای هاشمی آقایانیکه موافقت قیام کنند (عده برخاستند) رد شد پیشنهاد دیگری از طرف آقای نبوی است که قرائت میشود:

چون مجموع طلائی که از آستانه مقدسه برده شده است در حدود ۵۳ من است و مجموع آن طلا وقف بوده و باید مسترد شود لذا ماده واحده را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

ماده واحده - کلیه طلاهای که از آستانه آورده شده باید مسترد و جوهری که بآستانه داده شده مأخوذ دارند نبوی

**رئیس -** آقای نبوی

**نبوی -** بنده تعجب میکنم از آقایانیکه در این موضوع صحبت فرمودند صحبت خودشان را محدود فرمودند بآن کتیبه ها که در حدود ۲۲ کیلو یا بیشتر است اینها جزئی است از مجموع طلاهای که از آستانه برده اند آنچه که بنده اطلاع دارم مقدار آن طلاها ۵۳ من بوده است بنده نفهمیدم چه فرقی است بین اینها تمام وقف بوده است اینها شما چطور بین اینها فرقی قائل میشوید وقف را آقا مطابق قانون نمیشود فروخت تمام دلایلی که آقایان فرمودند که صدق کرد راجع باین ۲۲ کیلو کتیبه نسبت به تمام طلاهای که از آستانه برده شده است صدق میکنند (یکی از نمایندگان - آنها شمش شده است) شمش نشده است عیناً موجود است مال وقف بوده مال آستانه بوده است يك اشخاص خیری اینها را وقف کرده اند حالا شما رأی میدهید که يك مقداری از این موقوفات را مسترد کنند و بقیه را مسترد نکنند اینها تمام مال وقف بوده است باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم.

**وزیر دارائی (آقای فروهر) -** البته طلاهای که از آستان قدس آمده است و به بانك ملی فروخته شده است بیش از میزان این کتیبه ها است در این موضوع تردیدی نیست ولی بطور کلی باید عرض کنم که استرداد يك جزئی مانع از این نیست که نسبت بمابقیش هم صحبتی بشود ولی مابقی طلاهای که آمده است و عجتاً در بانك ملی است تغییر شکل داده است و جز يك شمش های خالص با مخلوطی فعلاً چیز دیگری نیست ارزش صنعتی و تاریخی و غیره هم هیچ ندارد داخل در طلاهای بانك هم شده است عین طلا از بین رفته است و عینش نیست مگر این کتیبه ها و بيك قسمت دیگری که خواستم عرض کنم بدون اینکه دفاعی در مقابل فرمایشات آقایان کرده باشم اینست که آن پولی هم که گرفته شده است آن پولها هم به مصرف رسیده است و آن چیز هائیکه در مقابل این پول تهیه شده است چند مقابل تخمینی قیمت آن طلاها را دارد و با اجازه قبلی طلا را خریدند مثقالی



هفتاد ریال و چهل ریال هم جایزه داده شده است میشود صد و ده ریال مثقالی ۱۱۰ ریال آن يك مثقال طلا در بازار آزاد بین ۳۷۰ و ۳۸۰ ریال بیشتر قیمت ندارد پس طلا را میتوانیم بگوئیم که بیش از دو برابر و نیم قیمت سابق خودش را در بازار آزاد ندارد. (مهندس فریور - سه برابر) خیلی خوب سه برابر. دو برابر و نیم یا سه برابر بجهت اینکه ۳۷۰ ریال باشد دو برابر و نیم میشود (مهندس فریور - نه خیر سه برابر هم بیشتر میشود) خیلی خوب حالا در این موضوع که ما بحث نمی کنیم ولی در مقابل این پول املاکی خریداری شده است که اقلاً ۳۰ برابر آن قیمت دارد و عایدات هر سال آن املاک بیش از قیمت این طلاها است حال داخل بحث در این موضوع نمی شویم ولی این طلاها با آن صورت اولیه نیست و قابل استخراج هم نخواهد بود و دولت هم با این نظریه مخالفت میکند و اگر قابل توجه هم باشد می رود به کمیسیون و ما هم مجبوریم که از نقطه نظر حفظ پشتوانه این مخالفت خودمان را تا دست آخر تعقیب بکنیم برای اینکه مال پشتوانه است و نباید رأی بدهید و شما امین مال ملت هستید نباید این رأی را بدهید بجهت اینکه شما نماینده ملت بوده و بجای آنها رأی میدهید و امین مال ملت می باشید و باید توجه داشته باشید. بنابراین خواهش میکنم که پیشنهاد خودشان را پس بگیرند (نبوی - پس نمیگیرم)

**رئیس** رأی میگیریم به پیشنهاد آقای نبوی آقایانی که موافقت قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رد شد. پیشنهاد آقای رفیع پیشنهاد میکنم ماده واحده اینطور اصلاح شود: ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت دارائی اجازه میدهد که کلیه طلاهای خریداری شده از آستانه قدس رضوی را در مقابل دریافت وجه با آستانه منتقل نمایند.

**جمعی از نمایندگان** - این عیناً مثل همان پیشنهادی است که رد شد.

**رئیس** - پیشنهاد آقای مجد ضیائی: بنده پیشنهاد میکنم در لایحه کتیبه طلا تبصره اضافه شود: دولت مکلف است کمیسیونی از کارمندان عالی رتبه

وزارت مالیه و کشور و دادگستری و دو نفر از نمایندگان مجلس تشکیل و در کلیه بقاع و آثار تاریخی و اوقاف مداخلاتی که شده و از اشیاء بهر نقطه نقل و انتقام داده شده رسیدگی نموده و صورت جامع آنرا تا شش ماه بمجلس شورای ملی گزارش دهند.

**مجد ضیائی** - استدعا میکنم توجه بفرمائید بنده خواستم از این پیشنهاد استفاده نموده چون اجازه رسید عریضی که یقین دارم مورد تصدیق آقایان میشود بعرض رسانم درین چند ساله بنام حفظ آثار قدیمه و اصلاح اوقاف و نگاهداری اموال آنها برخلاف منظور واقف و برخلاف آئین اسلام فمن بدله ما سمعه مأمورین و متصدیان امور بامور اوقاف که حدود شرعی قانونی دارد دست زدند و آنچه اطمینان که قلباً مردم بخیرات و مبرات داشتند از این اقدام و جرئت خلاف قانون که شد بکلی این مقاصد حسنه که مردمان خیر نسبت باین اقدامات که در باره اوقاف اسلاف آنها نمودند از مساعدت و وقف منصرف شدند. خیلی دور بطرف مشهد نرویم درصد متری این مجلس همه روزه سر در مسجد سپهسالار را آقایان مشاهده میفرمائید که کاشی ها عین وقف نامه است در تمام کتب ایرانی و خارجی ثبت شده آمدند کاشیهای سر در را برداشتند و در وسط کاشی چسباندند بر حسب امره ببارک الی آخر - آنوقت يك سمت عبارت خاقان الخواقین مانده يك سمت مسجد رفیع البنیان ملاحظه بفرمائید يك شخص فاضل و ادیب از خارجی و داخلی اگر این را ترجمه نماید چه عبارت و جلات بربط و نا مفهوم میشود اگر در گذشته مواعی برای اصلاح و نصب کاشی های موقوفه بود.

**رئیس** - ماده شصت و سه را هم مراعات بفرمائید و مختصر بفرمائید.

**مجد ضیائی** - چشم. خیلی مختصر است: وزارت فرهنگ چرا حالا با توجهی که به تصحیح کلمات و فرهنگستان ابراز میکند باین نکته واضح توجه فرموده در اردبیل از بقعه شیخ صفی در موقوفه رسیدگی اشیائی آوردند صورت آنها چه شده؟

**رئیس** - مختصر بفرمائید.

**مجد ضیائی** - مختصر است - و کجا هستند متصدی آن که بود. يك فقره داستانی است برای اطلاع آقایان که با پرونده و تصدیق فرهنگ است عرض می کنم که مورد تعجب خواهد شد مسجد حسینی در اردبیل است که تمام اثاثیه و فرش و آنچه لازم است برای احسان و ضیافت عموم در آنجا وقف شده که در تمام کشور معروفست در ۲۰ شهر معروف کردند که اثاثیه این مسجد غارت شده منافزاده متولی مسجد به بنده مراجعه نموده و گفت که خود مأمورین برده اند ازین طرف وزارت فرهنگ اقدام نمودند مأمور فرستادند و چهار تخته از قالی و قالیچه از خانه متصدیان و مأمورین گرفته تحویل متولی نمودند که پرونده آن حاضر است و هکذا بموجب يك تصویب نامه که آنوقت حاکم بر قانون بود برخلاف قانون ۲۷ شعبان ۲۸ ماده ۴ که باید موقوفات در محل خود صرف شوند بجای دیگر تخصیص دادند مردم این قانون هارا دیدند دیگر اشتغال از وقف نمیکنند مگر اطمینانی حاصل نمایند لازم است کمیسیونی برای تحقیق این مسائل معین و فکر اساسی برای عود اطمینان عامه و مسلمانان ایجاد شود.

**مخبر** - تذکراتی که نماینده محترم دادند بنظر بنده خیلی مفید و لازم بود ولی خواهش میکنم که فعلاً مسترد بفرمائید زیرا که این صورت قانونی پیدا میکند و جایش در اینجا نیست بهتر است مسترد کنند.

**مجد ضیائی** - بسیار خوب. مسترد کردم.

**رئیس** - پیشنهاد آقای فیروز آبادی: بنده پیشنهاد میکنم آنچه از آستانه قدس رضوی غصب شده بر گردد بمحل خودش و وجهیکه در مقابل آن داده شده مسترد شود - فیروز آبادی.

**رئیس** - این همان پیشنهاد پیش است ورد شده است (صحیح است). اینك پیشنهاد آقای رفیع خواند میشود: پیشنهاد میکنم در جای هیئت نظارت بانك نوشته شود وزارت دارائی.

**رئیس** - آقای رفیع

**رفیع** - عرض کنم که يك مذاکرات مفصلی شد در اینجا تقریباً يك قانونی را تذکر دادند قانون اساسی ما معین کرده است قوانینی رسمیت دارند که مطابق قانون شرع باشند و این قانون نمیتواند قانونیت داشته باشد در این مملکت برخلاف حق آمدند و رفتند تمام آن طلاهای آنجا را آوردند در بانك و حرف هم که زده میشود میگویند بانك طلاهایش جزء پشتوانه اسکناس است من باطلای بانك چکار دارم طلائی را که از آستانه رضوی آوردند در بانك همه این کشور میدانند غصب است عالم اسلامی ناظر است و نگاه میکند نه وزیر و نه آقایان دیگر هیچ نمیخواهند التفات بفرمایند که این موضوع بسیار مهم است اگر این مال بر گردد بصاحبش تمام اموال دیگر هم بصاحبان آن بر میگردد در هر صورت حالا که آمدیم همه پیشنهاد ها رد شد ما هم عرضی نکردیم اینجا نوشته است هیئت نظارت هیئت نظارت در مجلس مسئولیتی ندارد فقط دو نفر از نمایندگان مجلس در آنجا هستند این بود که بنسبده پیشنهاد کردم حالا اگر آمد هیئت نظارت و عمل نکرد چه میشود؟ ما چکار کنیم چون یکی دو نفر از هیئت نظارت و کیل اند آنها را که نمیشود مسئول قرار داد پس بگوئید وزارت دارائی که مسئول مجلس است مسئول باشد وزارت دارائی مسئول باشد

**هاشمی** - صحیح است.

**وزیر دارائی** - البته این موضوع را باید بعرض آقایان برسانم که بانك ملی ایران يك مؤسسه مستقلی است گرچه سهامش متعلق است بدولت ولی مطابق يك قانون خاصی آن شرکت تأسیس شده است و تابع يك مقرراتی است که آن مقررات او را مستقل کرده است هیئت نظارت اسکناس هم يك هیئت مستقلی است که بموجب قانون مسئولیتی دارد و يك وظایفی را انجام میدهد ولی کلیه این مؤسسات اعم از بانك کشاورزی - بانك رهنی - هیئت نظارت اندوخته اسکناس داخل میشوند در آن مجموعه اقتصادیات این کشور که مجموعه

# قانون

## اجازه استرداد کتیبه های طلا خط علیرضا عباسی باستان قدس رضوی

**ماده واحده -** مجلس شورای ملی به هیئت نظارت اندوخته اسکناس اجازه میدهد کتیبه های خط علیرضا عباسی متعلق باستان قدس رضوی را که جزء پشتوانه اسکناس منظور شده در قبال دریافت معادل آن طلا باستانه رضوی منتقل نماید. تبصره ۵ - به هیئت نظارت اندوخته اسکناس اجازه داده میشود:

۱ - اشیاء و پارچه های طلائی را که جنبه تاریخی و صنعتی داشته و فعلاً جزء پشتوانه اسکناس است در قبال دریافت طلای هموزن آنها بموزه ایران باستان واگذار نماید.

۲ - شمش های خرد و ناچور و مختلف العیار و همچنین مسکوکات طلای معیوب خارجی و داخلی را در قبال دریافت شمش طلای مرغوب که از حیث طلای خالص معادل آن شمش ها و مسکوکات باشد به بانک ملی ایران واگذار نماید.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و یکم خرداد ماه یکهزار و سیصد و بیست و سه بتصویب

مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی - محمد صادق طباطبائی

اقتصادیات کشور در تحت نظر و مسئولیت و نظارت وزارت دارائی است و البته بطریق مختلفه آنها اداره میشوند و از طرف وزارت دارائی در آنها نظارت میشود. مثلاً ادارات تابعه وزارت دارائی مستقیماً در تحت نظارت وزارت دارائی است ولی بانک ملی ایران چون مؤسسه ایست که مجمع عمومی دارد و تشکیل میشود از وزیر دارائی و دو نفر دیگر از وزراء که دولت آنها را تعیین میکند و دعوت میکند هیئت نظارت و هیئت عامل و اعضای شورای عالی و بازرس دولت هم حضور دارند ولی چون کلیه مؤسسات در تحت نظر وزارت دارائی اداره میشود و چون مسئول اعمال و روبرو خلاف قانون آنها وزارت دارائی است بنابراین این هیئت نظارت اندوخته اسکناس باید استقلالش بموجب قانون محفوظ باشد و مسئولیت این هیئت را هم وزارت دارائی قبول میکند.

**رفیغ -** بسیار خوب پس از این توضیح آقای وزیر دارائی مسترد میکنم.

**رئیس -** حالا باید رأی بگیریم باین ماده و تبصره های الحاقی آن

**نراقی -** يك تبصره بیشتر نیست. بفرمائید خوانده شود **ماده واحده -** مجلس شورای ملی به هیئت نظارت اندوخته اسکناس اجازه میدهد کتیبه های خط علیرضا عباسی متعلق باستان قدس رضوی را که جزء پشتوانه اسکناس منظور شده در قبال دریافت معادل آن طلا باستانه رضوی منتقل نماید. تبصره ۵ - به هیئت نظارت اندوخته اسکناس اجازه داده میشود:

۱ - اشیاء و پارچه های طلائی را که جنبه تاریخی و صنعتی داشته و فعلاً جزء پشتوانه اسکناس است در مقابل دریافت

طلای هموزن آنها بموزه ایران باستان واگذار نماید.

۲ - شمش های خورد و ناچور و مختلف العیار و همچنین مسکوکات طلای معیوب خارجی و داخلی را در قبال دریافت شمش طلای مرغوب که از حیث طلای خالص معادل آن شمش ها و مسکوکات باشد به بانک ملی ایران واگذار نماید. **رئیس -** رأی میگیریم بماده ای که خوانده شد با تبصره آن آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. چندین فقره طرح های قانونی است اگر آقایان موافقت کنند مطرح شود

**جمعی از نمایندگان -** ختم جلسه - ختم جلسه

**رئیس -** آقای روحی تأمل بفرمائید - آقا اگر هم باید جلسه ختم بشود تأمل بفرمائید تا دستور جلسه بعد معین شود آنوقت آقای دکتر مصدق اظهاراتی دارند که میگویند فوری است اگر آقایان موافقت که بعنوان نطق بعد از دستور صحبت نمایند

**جمعی از نمایندگان -** بفرمایند بفرمایند

[ ۳ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

**رئیس -** عده کافی نیست اگر آقایان اجازه بدهند جلسه ختم شود (بعضی از نمایندگان - بفرمائید آقایان بیایند) بنده که حاضر هستم ولی آقایان حاضر نشدند بنابراین جلسه ختم میشود جلسه آینده روز شنبه ۲۳ خرداد سه ساعت پیش از ظهر دستور طرجهائی است که از کمیسیون مبتکرات رسیده و گزارش کمیسیون دادگستری و سئوالات از آقایان وزراء

[ مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد ]  
رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد صادق طباطبائی